

اول از همه یه عکس ۴×۴ از معلّمت بگیر و بزن رویه رو، آگه نفواست عکسشو بگیر
یه کاریکاتور بکش هر جور دلت فواست؛ نشر عکس فودت رو بزن یا هر کسی رو که
دوست داری (فقط به مامان و بابا نشون نده!) می فواستم یه عکس از فودم بزنم
مشاور! گفتن ضایع بازی، مدیر فیلی سبزم عکس نداد گفت می ترسم پشتم بفورم!!!

گلستان سعدی با نثر آهنگین، گوش نواز، زیبا و روان و حکایت‌های کوتاه و متنوع، حدود هشت قرن است که با ذهن و زبان ما پیوند دارد. آن گونه که بیش از چهارصد جمله و بیت از این کتاب، در شمار امثال و حکم درآمد است. سعدی در گلستان با روشن بینی و دل آگاهی در اوج بلاغت و قدرت از تجربه‌های خویش باز می گوید و چشم اندازهای گوناگون زندگی و راه رسیدن به زندگی مطلوب و برتر را نشان می دهد. دیباچه‌ی گلستان که سرشار از معانی لطیف است، مانند شعری خوش ترکیب و موزون در خاطره‌ها می ماند. این دیباچه از بهترین نمونه‌های تحمیدیه در ادب فارسی است.

همان طور که می بینید اولین متن کتابمون فیلی نکته ندراره (فقط همون‌هایی بود که مشفق کردیم!) میانه تون با املا چه طوره؟! ... آخرین، ممنونم از این که مثبت اندیشید! راز دانستن املا اینه که ریشه‌ی کلمات و هم‌قائوره‌ها را بلد باشیم، پس با هم می فونیم:



نثر: پراکنده نصر: پیروزی

منثور (پراکنده شده) - نثار - جان نثار منصور (پیروز) - نصرت (چیره شدن) - ناصر

بلاغت: چیره‌بانی بلیغ - مبلغ - بالغ - بلوغ - ابلاغ - تبلیغ

موزون: دارای وزن وزن - وزنه - موازین - موازنه

تحمید: حمد و ستایش خدا حمد - تحمیدیه تمهید (فراهم کردن)

املائی دو کلمه‌ی هم‌آوا را حتماً باید در جمله تشخیص بدیم. املای

تمرین با توجه به عبارت‌های زیر، املائی کدام کلمات غلط است؟

الف) «و سخنی که در (نثر - نصر) نگویند تو اندر نظم مگوی که (نصر - نثر) چون رعیت است و نظم چون پادشاه و آن چیز که رعیت را نشاید، پادشاه را هم نشاید.» (قابوس‌نامه)

ب) «شیبى ملك بومان به سبب مخاصمت كه میان بوم و زاغ است، بیرون آمد و به طریق شبیخون بر زاغان زد و كام تمام براند و مظفر و (منثور - منصور) و مؤید و مسرور بازگشت.» (کلیله و دمنه)

ما هم چنان در اول وصف تو مانده‌ایم

مَنْتِ خدای را، عزوجلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. هر نفسی که فرو می‌رود، مُمدّ حیات است و چون برمی‌آید، مُفَرّح ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.

مَنْت: سپاس، ستایش (در اصل انجام‌دادن کاری و به رخ کشیدن آن) **عزوجلّ**: توانا و عزیز و بزرگ است. **طاعت**: اطاعت، فرمان‌برداری
قربت*: نزدیکی **مزید***: افزونی، زیادی **فرورفتن نفس**: دم، نفس کشیدن **ممد**: مددکننده، یاری‌رساننده **برآمدن نفس**: بازدم
مفرّح*: شادی‌بخش، فرح‌انگیز **ذات**: وجود، هستی

ستایش مخصوص خداوند توانا و عزیز و بزرگ است که فرمان‌بردن از او باعث نزدیکی به اوست و شکر او موجب افزونی نعمت است. (ری ۸۵، فرار ۸۹ و ری ۹۰)
 هر نفسی که می‌کشیم، یاری‌رساننده‌ی زندگی است و وقتی در بازدم، نفس را بیرون می‌دهیم، شادی‌بخش وجود ماست. (ری ۸۴ و ۸۶ و شهرپور ۸۹)
 بنابراین در هر دم و بازدم دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکرگزاری واجب است.

شکر نعمت، نعمت افزون کند.

مجاز: مَنْت مجازاً سپاس / **تلمیح**: عبارت به شکر اندرش مزید نعمت اشاره دارد به آیه‌ی «لئن شکرتم لأزیدنکم»: اگر واقعاً سپاس بگذارید، [نعمت] شما را افزون خواهد کرد. (سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۷) / **سجع**: قربت با نعمت - فرو می‌رود با برمی‌آید - حیات با ذات / **تضاد**: فرو می‌رود با برمی‌آید

نوع «را»: حرف اضافه است در معنای «مخصوص»؛ مَنْتِ خدای را یعنی مَنْتِ مخصوصِ خداست. / **به شکر اندرش**: در شکر او (خداوند)، در قدیم گاهی برای متمم دو حرف اضافه می‌آوردند. امروزه برای معنی کردن، اولی را حذف می‌کنیم و دومی را به جای آن می‌نشانیم. / **نقش ضمیر متصل «ش»**: در هر دو مورد مضاف‌الیه است؛ **طاعتش**: طاعت او (خداوند) - **به شکر اندرش**: در شکر او (خداوند) / **حذف فعل به قرینه‌ی لفظی**: فعل «است» بعد از کلمات **نعمت**، **ذات** و **واجب** به قرینه‌ی لفظی حذف شده است؛ **پون شبیه اونو داریم!** / **نوع «چون»**: به معنی «وقتی که» حرف ربط است.

۱- انواع سجع مخصوص رشته‌ی انسانیه! ولی بد نیست که شما هم بدونین سه جور سجع داریم و هر سه جورش در این قسمت قابل مشاهده است: ۱- سجع متوازی (هم وزن دو کلمه یکی است؛ هم حرف آخرشون؛ مثلاً قربت با نعمت) ۲- سجع مطرف (که فقط حرف آخر دو کلمه یکی است؛ مثلاً فرو می‌رود با برمی‌آید - حیات با ذات) ۳- سجع متوازن (که فقط وزن دو کلمه یکی است؛ مثلاً موجود با واجب)

قربت: نزدیکی


۱) قُرب (نزدیکی) - قریب (نزدیک) - تقریباً - اقربا (خویشان) - اقرب (نزدیک‌تر) - تقرب (نزدیکی‌جستن) - قرابت (نزدیکی) - مقربان (نزدیکان)
 ۲) غَرب (پنهان‌گردیدن) - غریب (ناآشنا، عجیب) - غُربا (جمع غریب) - غَرایب (جمع غریبه، عجایب) - غَرايت (دوری) - اَغرب (دورتر) - تغَرب (دوری‌گزیدن)

مزید: افزونی

حیات: زندگی

۱) حَى (زنده، قبیله) - أَحیا (قبیله‌ها) - اِحیا (شب‌زنده‌داری)

۲) حَوط (نگاه‌داشتن) - احاطه - محیط - حیطة

مفرح: شادی‌بخش

۱) فَرَح - تفریح

نماین: مفهوم بیت «شکر نعمت نعمت افزون کند / کفر نعمت، از کفت بیرون کند» با همی ابیات، به جز بیت تناسب معنایی دارد.

- | | |
|---|-----------------------------------|
| ۱) در نعمت خدای بگوشاید | شکر کن تا خدا بیفزاید |
| ۲) نعمت آن راست زیاده که همه شکر بود | تو نه‌ای از در نعمت که همه کفرانی |
| ۳) بخشش خود را به شکر کس نیالاید که هست | در ره آزادمردی شکر جزوی از جزا |
| ۴) حق نعمت‌شناختن در کار | نعمت افزون دهد به نعمت‌خوار |

نماین: با توجه به عبارت «فی‌الجمله زبان از مکالمه‌ی او در کشیدن قوت نداشتیم و روی از محادثه‌ی او گردانیدیم، مروت نداشتیم که یار موافق بود و ارادت صادق.» در کدام گزینه، همی کلمه‌های سجع، درست مشخص شده است؟

(سراسری انسانی ۸۲)

- | | |
|---------------------------------------|---------------------------------------|
| ۱) نداشتیم و نداشتیم - موافق و صادق | ۲) مکالمه و محادثه - قوت و مروت |
| ۳) در کشیدن و گردانیدن - موافق و صادق | ۴) مکالمه و محادثه - کشیدن و گردانیدن |

کز عهده‌ی شکرش به درآید؟

از دست و زبان که برآید

اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِ الشُّكُورِ.

عَهده: وظیفه

هیچ کس توانایی ندارد خدا را آن‌گونه که شایسته است، با اعمال و رفتارش سپاس گزارد.



ای خاندان داود، سپاس گزارید و عده‌ی کمی از بندگان من سپاس گزارند. ^۱ (سوره‌ی سبأ، آیه‌ی ۱۳)

ناتوانی انسان از شکرگزاری خداوند آن‌گونه که شایسته‌ی خداوند است.



مراعات‌نظیر: دست و زبان (نام دیگر مراعات‌نظیر «تناسب» است.) / مجاز: دست مجازاً اعمال، قدرت - زبان مجازاً گفتار - دست و زبان مجاز از



تمام وجود انسان / کنایه: از دست و زبان برآمدن کنایه از توانایی‌داشتن، از عهده برآمدن / تضمین: آوردن آیه‌ی عربی قرآن در متن گلستان /

تلمیح: اشاره دارد به نام «حضرت داود عليه السلام» در سوره‌ی سبأ، آیه‌ی ۱۳ / استفهام انکاری: یعنی سؤالی می‌پرسیم که می‌دانیم جوابش منفی است: از

دست و زبان که برآید؟ یعنی از دست و زبان کسی بر نمی‌آید.

نوع «که»: در مصراع اول ضمیر پرسشی است به معنی «چه کسی؟» و در مصراع دوم حرف پیوند وابسته‌ساز است.



پیامبر اعلام

داود: پیامبر قوم بنی‌اسرائیله، شاعره و نام کتابش مزامیر است که به زبور هم معروفه.



یه فبر فوب و یه فبر فوب تر!!

فبر فوب اینه که تا حالا در امتحان نوبی از معنی عبارت های عربی نپرسیده اند (فیالتون راهت!)؛ فبر فوب تر اینه که در کنگور این عبارت های عربی رو میدن و چهار بیت قارج از کتاب و میکن کرامت بیت با این عبارت عربی ربط داره یا بی ربطه، همین! نمونه اش را هتما می بینید. فعلاً پندتا تمرین آرایه هل کنید:

نمذین کنایه ی به کار رفته در کدام بیت، اثبات این حقیقت است که آسایش بی رنج در این جهان وجود ندارد؟

الف) حافظ از باد خزان در چمن دهر مرنج
ب) نیندارم ای در خزان کشته جو

فکر معقول بفرما گل بی خار کجاست
که گندم ستانی به وقت درو

نمذین واژه ی «دست» در همه ی ابیات به استثنای بیت در معنای مجازی به کار رفته است.

۱) دست در حلقه ی آن زلف دوتا نتوان کرد
۲) از تو به که نالم که دگر داور نیست
۳) در دست ماست خاتم اقبال و کار عیش
۴) دست و بازو چون بلور و عارض و دندان چو دَر

تکیه بر عهد تو و باد صبا نتوان کرد
وز دست تو هیچ دست بالاتر نیست
هر روز واژگونه تر از نقش خاتم است
زلف و ابرو چون کمان و غمزه و بالا چو تیر

بندۀ همان به که ز تقصیر خویش
ورنه، سزاوار خداوندی اش

عذر به درگاه خدای آورد
کس نتواند که به جای آورد

تقصیر* گناه، کوتاهی کردن، کوتاهی (در انجام اعمال عبادی یا کوتاهی در عبادت) (دی ۸۴، شوریور و دی ۸۵ و شوریور ۸۷) عذر: پوزش، طلب بخشش، توبه
عذر به درگاه آوردن: توبه کردن، طلب عفو و بخشش کردن ورنه: و اگر نه، حرف ربط وابسته ساز

بہتر است آدمی به خاطر کوتاهی در عبادت از درگاه الہی طلب عفو و بخشش کند و آلا کسی نمی تواند خداوند را آن گونه که سزاوار پرستش است، عبادت کند.

سفارش به توبه و عذرخواهی کردن به درگاه الہی

قالب شعر در این جا «قطعه» است. چون فقط مصراع های زوج آن قافیه دارد.

کنایه: عذر به درگاه آوردن کنایه از توبه کردن و طلب بخشش نمودن / مراعات نظیر: تقصیر و عذر

قلیل: اندک

تقصیر: کوتاهی

قصر (کوتاهی، کاخ) - قصور (عیب) - قصیر (بسیار کوچک) - مقصّر (گناہکار) - مقصور (کوتاہ شدہ) - قاصر (کوتاہی کننده) -

قصار (کوتاہ) - اقصی (دورتر) - مسجدالاقصی

خویش: خود

عذر: بہانہ، پوزش

نمذین مفهوم مقابل بیت «بندۀ همان به کہ ز تقصیر خویش / عذر به درگاه خدای آورد» در کدام گزینه آمده است؟

۱) بہ کہ به پیش کریم ناز کنی وقت جرم
۲) جملہ گناہ مجرمان چون برگ دی ریزان کند
۳) جز بہ پرهیز و زهد و استغفار
۴) زاہدی کز خمر عشق تو ہمی کرد اجتناب

ورنه ز کم ہمتی است عذر گنہ خواستن
در گوش بدگویان خود عذر گنہ تلقین کند
کار ناخوب کی شود مغفور
گرچہ پر آب انابت بود، بشکستم سبوش

باران رحمت بی حسابش ہمہ را رسیدہ و خوان نعمت بی دریغش ہمہ جا کشیدہ. پردہ ی ناموس بندگان بہ گناہ فاحش ندرد و وظیفہ ی روزی بہ خطای منکر نبرد.

خون: سفرہ
دریغ*: مضایقہ؛ بی دریغ: بی مضایقہ
کشیدن: گسترده شدن
ناموس: قانون، در این جا مجازاً «آبرو»
فاحش: آشکار
وظیفہ: مقرری، مستمری
وظیفہ بردن: قطع کردن مقرری
منگر*: زشت، ناپسند [منگر: انکار کننده]
وظیفہ ی روزی: رزق مقرّر و معین (شوریور ۸۶ و فررار ۸۷)

رحمت بی‌پایان الهی مثل بارانی شامل حال همه‌ی موجودات شده و نعمت‌های بی‌مضایقه‌ی خداوند مثل سفره‌ای برای همه‌ی مخلوقات پهن شده است. (رحمت و نعمت الهی فراگیر است.) آبروی بندگان را با وجود گنهکاری آنان نمی‌ریزد و روزی و رزق مقرر آن‌ها را با وجود خطاکار بودنشان قطع نمی‌کند. ^۱ (فرردار ۸۴ و شهریور ۸۴)



باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده: بخشنده‌ی بی‌دریغ خداوند = خوان نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده: رزاق بودن خداوند (فرردار ۸۵ و ۸۷ و شهریور ۸۹) - پرده‌ی ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد: ستارالعیوب بودن خداوند (فرردار ۸۵ و ۸۷ و شهریور ۸۹) - وظیفه‌ی روزی به خطای منکر بُرد: رزاق بودن خداوند (شهریور ۸۶ و فرردار ۸۷)



تشبیه: ترکیب‌های باران رحمت، خوان نعمت، پرده‌ی ناموس و وظیفه‌ی روزی همگی اضافه‌ی تشبیه‌ی هستند. (در تشبیه آخر رزق و روزی به حقوق و مقرری، تشبیه شده است.) / سجع: بین کلمات پایان جمله‌ها، رسیده با کشیده - نَدَرَد با بُرَد / کنایه: پرده‌دریدن کنایه از آشکارکردن راز، رسواکردن / ترصیع ^۱



نوع «را»: حرف اضافه است در معنای «به»؛ همه را رسیده = به همه رسیده / نقش و مرجع ضمیر «ش»: مضاف‌الیه و مرجع آن خداوند است.



خوان: سفره

مضایقه: خودداری کردن [م] ضیق (تنگی) - مضیقه (تنگنا) - مضایق (تنگناها) - مضایقت (دریغ کردن) [م] مضغ (جویدن) فاحش: آشکار [م] فحش - فاحشه [م] وحش - وحوش - مَوَحَّش (ترسیده) - موحش (ترسناک) - وحشت (ترس)

نمذین

مفهوم عبارت «باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده.» به مفهوم کدام بیت نزدیک است؟

- (۱) از سفله مخ‌واه هیچ زنه‌سار
(۲) روزی ز خزانه‌ی کسی خ‌واه
(۳) گر ترک طمع کنی، نباشد
(۴) نی محنت عشق دیده هرگز
- کاطلس نشود پ‌لاس هرگز
ک‌او را نبود مک‌اس هرگز
ای دل ز ک‌ست ه‌راس هرگز
نی جور بتان کشیده هرگز
- (سراسری قارچ از کشور ۸۸)

نمذین

در همه‌ی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی ، آرایه‌ی تشبیه موجود است.

- (۱) مرا چون هاتف دل دید دمساز
(۲) سخن، جان است و جان داروی جان است
(۳) جمالش باد دائم عالم‌افروز
(۴) تو مردم بین که چون بی‌رای و هوش‌اند
- بـرآورد از رواق هـمت آواز
مگر چون جان عزیز از بهر آن است
شـبش، مـواج بـاد و روز، نـوروز
که جـانی را بـه نـانی مـی‌فروشدند
- (سراسری انسانی ۸۱)

فرآش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایه‌ی ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.

فرآش*: فرش گستر، گسترنده‌ی فرش صبا: باد صبا، بادی که از شمال شرق می‌وزد. زمردین: به رنگ زمرّد، سبز رنگ، (فیلی سبزا) دایه: زنی که بچه‌ی دیگری را شیر دهد، پرستار و مربی طفل فرمودن: دستوردادن بنات: جمع بنت، دختران نبات: گیاه و جمع آن نباتات (گیاهان) مهد*: گهواره



خداوند به باد صبا دستور داده تا چون فرآشی چمن و سبزه‌ها را بر زمین پهن کند و برویاند و به ابر بهاری فرمان داده تا چون دایه‌ای مهربان گیاهان را که چون دخترانی لطیف هستند، در گهواره‌ی زمین پرورش دهد. (فرردار ۸۷)

۱- ترصیع: هم‌وزن بودن همه‌ی کلمات دو جمله یا دو مصراع، با توجه به این موضوع که حرف آخرشان یکی باشد. به عبارت دیگر کلمات، همگی سجع متوازی داشته باشند. (آرایه‌ی مخصوص انسانی)

باران	رحمت	بی‌حسابش	همه	را	رسیده
↓	↓	↓	↓	↓	↓
خوان	نعمت	بی‌دریغش	همه	جا	کشیده



بیان قدرت خداوند: همه چیز تحت فرمان الهی است.



تشخیص: فرمان‌پذیری و حرف‌شنوی باد و ابر / **نماد:** صبا نماد پیام‌رسانی است. / **تشبیه:** اضافه‌های تشبیهی: فرّاش باد - دایه ابر - بنات نبات - مهد زمین / **استعاره:** فرّش زمردین استعاره از سبزه (فرّاد ۸۵ و شهریور ۸۹) / **سجع:** گفته با فرموده - بگسترده با پیرورد / **جناس ناقص:** بنات و نبات - فرّاش و فرّش / **مراعات‌نظیر:** فرّاش، فرّش و بگسترده - باد و ابر - دایه، بنات، مهد و پیرورد - نبات و زمین / **تلمیح:** مهد زمین اشاره دارد به آیهی «ألم نجعل الأرض مهاداً»: آیا زمین را گهواره‌ای نگردانیدیم. (سوره‌ی نبأ، آیه‌ی ۶)

نوع «را»: حرف اضافه است به معنی «به»؛ **باد صبا را گفته = به باد صبا گفته = ابر بهاری را فرموده = به ابر بهاری دستور داده.**



صبا: باد صبا **سبا:** سرزمین بلقیس

زمین: کره‌ی زمین **ضمین:** ضامن

ضمین (اندرون) - مضمون (درون‌مایه) - تضمین (برعهده‌گرفتن) - تضمّن (شامل‌بودن) - ضمانت، ضمان (کفالت) - ضِمن‌العقد (در بین قرارداد) - تضامن - مضامین

(سراسری زبان ۸۱)

نمذین در کدام گزینه استعاره به کار رفته است؟

۱) پیش صاحب‌نظران ملک سلیمان باد است
۲) از این اندیشه کان سرو سهی داشت
۳) که هست این‌جا مهندس مردی استاد
۴) خاکی است که رنگین شده از خون ضعیفان

۱) بلکه آن است سلیمان که ز ملک آزاد است
دل فرزانه شاپور آگهی داشت
جوانی نام او فرزانه فرهاد
این ملک که بغداد و ری اش نام نهادند

نمذین با توجه به معنای عبارات، در داخل کمانک دور کلماتی که غلط املایی دارند، خط بکش!

(الف) «روز یک‌شنبه، خدا یگانم با همراهان به خانه‌ی امیرالامرا مهمان آمدند و آن مرد کسی است که لقب وی را آقا (خوان - خان) امیر تومان خواندندی و در این روز میزبانی به‌سزا کرده، چندان (خوان - خان) خورش بیاراست.» (اریب‌الممالک فراهانی)
(ب) «وقتی از اوقات که ایام شباب چون نسیم (صبا - سبا) بر من بگذشت و فرّاش روز و شب فرّاش عیش و طرب درنوشت.» (مقامات همیری)
(ج) «همه شب نیارامید از سخن‌های پریشان گفتن، که فلان انبارم به ترکستان است و فلان بضاعت به هندوستان و این قبایلی فلان (زمین - ضمین) است و فلان چیز را فلان (زمین - ضمین).» (گلستان سعری)

درختان را به خلعت نوروزی قیای سبز ورق در برگرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.

خلعت*: جامه‌ی دوخته که بزرگی به کسی بخشد. **قبا:** لباس بلند **ورق:** برگ **درب‌گرفتن:** پوشاندن **شاخ:** شاخه‌های درختان
قدوم*: آمدن، قدم‌نهادن («قدوم» جمع قدم نیست، جمع قدم، اقدام است). **موسم:** هنگام، فصل **ربیع*:** بهار (شهریور ۸۵) [فصل‌های دیگر به زبان عربی: صیف: تابستان، خریف: پاییز، شتا: زمستان]



به درختان به عنوان خلعت نوروزی، لباسی سبزرنگ از برگ پوشانده و به مناسبت آمدن (قدم‌نهادن) فصل بهار بر سر شاخه‌های کوچک کلاهی از شکوفه نهاده است. (با آمدن فصل بهار شاخه‌های درختان پر از شکوفه می‌شوند.) (شهریور ۸۷ و ری ۸۸)



قدرت خدا در آفرینش زیبایی‌های طبیعت

سجع: گرفته با نهاده / **تشبیه:** قیای سبز ورق، اطفال شاخ و کلاه شکوفه همگی اضافه‌ی تشبیهی هستند. / **تشخیص:** درختان خلعت گرفته‌اند. - شاخه‌ها کلاه بر سر دارند. - آمدن بهار / **جناس تام:** بر به معنای «تن» و بر به معنای «روی» / **جناس ناقص:** بر، سر و در / **مراعات‌نظیر:** کلاه و سر - شاخ، شکوفه و ربیع - خلعت و قبا - درختان و ورق / **حسن تعلیل:** دلیل سرسبزی و شکوفه‌دار شدن درختان آمدن بهار است.

نوع «را»: «را»ی اول حرف اضافه است به معنی «به» و «را»ی دوم فک اضافه است؛ یعنی مضاف‌الیه را از مضاف فک کرده! جدا کرده، تفکیک کرده: اطفال شاخ را کلاه شکوفه بر سر نهاده = کلاه شکوفه بر سر اطفال شاخ نهاده. / حذف فعل «است» به قرینه‌ی معنوی: درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در برگرفته (است) و ... بر سر نهاده (است).

قبا: جامه [عَبَا: گرد]

(سراسری هنر ۱۵)

نماین «درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در برگرفته» با مفهوم کدام بیت قرابت معنایی دارد؟

- | | |
|--------------------------------------|---------------------------------|
| ۱) یارب گل است عارض زیبا یا سمن | یا بر فراز سرو شکفته است یاسمن |
| ۲) چشم تو آهویی است که هنگام ترک‌تاز | باشد به سوی کشور جان‌هاش تاختن |
| ۳) می‌گفت با صبا ز رخت گل حکایتی | باد صباش خردی زر کرد در دهن |
| ۴) کی با شکست حال دل زار می‌رسد | زلفت که زیر هر خم او هست صد شکن |

نماین در همی گزینه‌ها به‌جز گزینه‌ی رای فک اضافه وجود دارد.

- | | |
|---|--------------------------------------|
| ۱) بپویید کاین مهتر آهرمن است | جهان آفرین را به دل دشمن است |
| ۲) مرا نصیب غم آمد به شادی همه عالم | چرا که از همه عالم محبت تو گزیدم |
| ۳) گفت نزدیک است والی را سرای، آن‌جا شویم | گفت والی از کجا در خانه‌ی خمار نیست؟ |
| ۴) چه گفت آن سخن‌گوی با فر و هوش | چو خسرو شدی بندگی را بکوش |

عصاره‌ی تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.

عصاره* : آبی که از فشردن میوه یا چیز دیگر به دست آورند. تاک* : درخت انگور فایق* : برگزیده، برتر نخل: درخت خرما [رطب: خرما] تربیت: توجه، لطف، پرورش (شهریور ۸۸) باسق* : بلند

شیره‌ی درخت انگور به قدرت خداوند به شیرینی برتر و برگزیده تبدیل شده و هسته‌ی کوچک خرما با توجه و پرورش خدا به درخت بلند خرما تبدیل شده است. (شهریور ۸۵، ۸۶ و ۹۰)

تأکید بر قدرت خداوند در آفرینش

سجع: شده با گشته / مراعات‌نظیر: خرما، نخل و تاک / تلمیح: اشاره دارد به آیه‌ی «وَالنَّخْلُ باسقات»: و درختان تناور خرما (سوره‌ی «ق»، آیه‌ی ۱۰)

مرجع ضمیر «ش»: خداوند مرجع ضمیر «ش» است. (شهریور ۸۸) / حذف فعل «است» به قرینه‌ی معنوی: عصاره‌ی تاکی به قدرت او شهد فایق شده [است] و ... گشته [است].

نماین در همی ابیات به‌جز بیت ، آرایه‌ی تلمیح مشهود است.

- | | |
|--|-------------------------------------|
| ۱) هر آن‌که کنج قناعت به گنج دنیا داد | فروخت یوسف مصری به کم‌ترین ثمنی |
| ۲) بیا که رونق این کارخانه کم نشود | به زهد همچو تویی یا به فسق همچو منی |
| ۳) بین در آینه‌ی جام، نقش‌بندی غیب | که کس به یاد ندارد چنین عجب زَمَنی |
| ۴) به صبر کوش تو ای دل، که حق رها نکند | چنین عزیز نگینی به دست اهرمنی |

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند / تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
همه از بهر تو سرگشته و فرمان‌بردار / شرط انصاف نباشد که تو فرمان‌بری

در کار بودن: مشغول کاری بودن، سرگرم‌بودن / سرگشته: متحیر، سرگردان / فرمان‌بردار: مطیع / به کف آوردن: به دست آوردن



تمام موجودات عالم در فعالیت هستند تا تو رزق و روزی به دست آوری و آن را از روی غفلت نخوری و از یاد خدا غافل نشوی، همه‌ی مخلوقات نسبت به انسان مطیع هستند، در نتیجه انصاف نیست که انسان از خدا اطاعت نکند.



انسان هدف اصلی آفرینش است. - برحذر داشتن انسان از غفلت - توصیه به اطاعت و بندگی خدا



قالب این دو بیت «قطعه» است؛ چون فقط مصراع‌های زوج آن قافیه دارند.



مراعات نظیر: ابر، باد، مه، خورشید و فلک / مجاز: ابر و باد و مه و خورشید و فلک مجازاً همه‌ی مخلوقات - نان مجازاً غذا - کف مجازاً دست /



تلمیح: اشاره دارد به آیه‌ی «و سَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ»؛ و خورشید و ماه را که پیوسته روان‌اند، برای شما رام گردانید. (سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۳۳)

کنایه: نان به کف آوردن کنایه از کسب روزی

مرجع ضمیر: مرجع ضمیر همه که در مصراع اول بیت دوم آمده ابر و باد و مه و خورشید و فلک و مرجع ضمیر تو در هر دو بیت، «انسان» است.



غفلت: نادانی غافل - تغافل - قافله - قوافل



نمذین کدام گزینه با بیت «ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند / تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری» قرابت معنایی دارد؟

- | | |
|--|--|
| ۱) حجاب پرتو خورشید سایه می‌باشد | چه جلوه‌ها که نه در غفلت تو ناپیداست |
| ۲) گران‌تر است تو را خواب غفلت از دل سنگ | وگر نه لعل ز خورشید آب و تاب گرفت |
| ۳) تو به غفلت خفته مست و هر شبی از بهر پاس | چشم بر تو دیده‌بانان را از این نیلی حصار |
| ۴) کجاست مشت زری تا چو گل به باد دهیم | گهر کجاست که ریزش به ابر یاد دهیم |

در خبر است از سرور کائنات و مقدر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان و تتمه‌ی دور زمان محمد مصطفی - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ -

خبر! سخنی که از پیامبر باشد، حدیث؛ در خبر است: در حدیث آمده است. کائنات*: جمع کاینه، موجودات جهان مفخر*: آن‌چه بدان فخر کنند. صفوت*: برگزیده و خالص از هر چیز (فردار و دی ۸۷) تتمه*: به‌جای‌مانده، باقی‌مانده‌ی چیزی (در این‌جا مایه‌ی تمامی و کمال) دور: گردش، حوادث مصطفی: برگزیده

در حدیث آمده است از حضرت محمد ﷺ سرور موجودات جهان و مایه‌ی افتخار مخلوقات و سبب بخشایش خداوند بر جهانیان و برگزیده‌ی آدمیان و مایه‌ی تمامی و کمال گردش روزگار - که درود خداوند بر او و خاندانش باد -



تأکید بر صفات پیامبر اسلام ﷺ



کنایه: سرور کائنات، مفخر موجودات، رحمت عالمیان، صفوت آدمیان و تتمه‌ی دور زمان همگی کنایه از پیامبر ﷺ است. / تلمیح: رحمت



عالمیان اشاره دارد به آیه‌ی «و ما ارسلناکَ اِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِینَ»؛ و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم. (سوره‌ی انبیا، آیه‌ی ۱۰۷)

شَفِيعٌ مُطَاعٌ نَبِيٌّ كَرِيمٌ قَسِيمٌ جَسِيمٌ نَسِيمٌ وَسِيمٌ

شَفِيعٌ: شفاعت‌کننده مُطَاعٌ: فرمانروا، اطاعت‌شده نَبِيٌّ: پیام‌آور کَرِيمٌ: بخشنده قَسِيمٌ: صاحب جمال جَسِيمٌ: دارای اعضای متناسب و خوش‌اندام نَسِيمٌ: خوش‌بو وَسِيمٌ: دارای نشان پیامبری

او (پیامبر ﷺ) شفاعت‌کننده، فرمانروا، پیام‌آور، بخشنده، صاحب جمال، خوش‌اندام، خوش‌بو و دارای نشان پیامبری است.^۱



جناس ناقص [اختلافی]: قسیم، جسیم، نسیم و وسیم / واج‌آرایی: تکرار صامت «س» و «م»



مُطَاع: فرمانروا، اطاعت‌شده ﴿مُطَاع: کالا﴾
طوع - طاعت - اطاعت - مطاوعت - مطیع

(سراسری تهرپی ۸۱)

نماینده شاعر، در کدام گزینه، برای بیان منظور خود از آرایه‌ی جناس استفاده کرده است؟

- | | |
|-------------------------------|-----------------------------|
| ۱) کدامین پیسک را دادی پیامی | کدامین شیب فرستادی سلامی |
| ۲) کدامین جامه بر یادم دریدی | کدامین خواری از بهرم کشیدی |
| ۳) کدامین ساعت از من یاد کردی | کدامین روزم از خود شاد کردی |
| ۴) عتابت گرچه زهر نواب دارد | گذر بر چشمه‌ی نوشاب دارد |

بَلَّغِ الْعُلَى بِكَمَالِهِ، كَشَفَ الرَّوْضَ بِرُطَبِهِ، حَسَنَتُ جَمِيعِ خِصَالِهِ، صَلَّوْا عَلَيْهِ وَآلِهِ

بَلَّغ: رسید غلی: بزرگی و شرف کَشَف: روشن کرد، برطرف کرد. دُجی: جمع دجیه، تاریکی‌ها خصال: خوبی‌ها، خصلت‌ها

به واسطه‌ی کمال خود به مرتبه‌ی بلند رسید و با جمال نورانی خود تاریکی‌ها را برطرف کرد. همه‌ی خوبی‌ها و صفات او زیباست؛ بر او و

خاندانش درود بفرستید.^۱

جناس ناقص [اختلافی]: کمال و جمال

(سراسری ریاضی ۸۹)

نماینده در کدام بیت هر سه آرایه‌ی کنایه، تشبیه و مراعات‌نظیر وجود دارد؟

- | | |
|--------------------------------------|--------------------------------------|
| ۱) چشم از پی آن باید تا چیز عجب بیند | جان از پی آن باید تا عیش و طرب بیند |
| ۲) چون جغد بود اصلش کی صورت باز آید | چون سیر خورد مردم کی بوی پیاز آید |
| ۳) مسکین دل آواره آن گم‌شده یکباره | چون بشنود این چاره، خوش رقص‌کنان آید |
| ۴) در گوهر جان بنگر اندر صدف این تن | کز دست گران‌جانی انگشت همی ساید |

چه غم دیوار اَمّت را که دارد چون تو پشتیبان؟ چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟

چه باک: ترسی نداریم، غمی نیست پشتیبان: مددکار، حامی، چوبی که به جهت استحکام بر دیوار نصب می‌کنند.

ای پیامبر ﷺ، مسلمانان هیچ غمی ندارند، چون تو پشتیبان آن‌ها هستی؛ هم‌چنان که همراهان حضرت نوح غصّه‌ای نداشتند، چون کشتیانی مثل نوح

داشتند. (در واقع خدا پشتیبان آن‌ها بود).

پیامبر ﷺ پشتیبان و هادی مردم است.

تشبیه: اَمّت به دیوار تشبیه شده و پیامبر به پشتیبان آن دیوار (شهریور ۸۴) / جناس ناقص: پشتیبان و کشتیبان (شهریور ۸۴) / مراعات‌نظیر: موج

بحر، نوح و کشتیبان (شهریور ۸۴) / تلمیح: اشاره به نوح پیامبر ﷺ (شهریور ۸۴) / اسلوب معادله: دیوار اَمّت معادل آن - تو معادل نوح -

پشتیبان معادل کشتیبان / ایهام تناسب: پشتیبان در بیت به معنی «حامی» است، ولی با توجه به دیوار، به معنای چوبی است که بر پشت دیوار نهند

تا خراب نشود، پس پشتیبان در معنی دوم با دیوار ایهام تناسب دارد. / استفهام انکاری: سؤالی می‌پرسیم که می‌روئیم بپوابش منفی است: چه غم

دیوار اَمّت را؟ اَمّت غمی ندارد - چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟ کسی که نوح کشتیانش است، از موج دریا ترسی ندارد.

نوع «چه»: در هر دو مصراع صفت پرسشی است، چون هم با اسم همراه است و هم جمله پرسشی است. / نوع «را»: در هر دو مصراع «حرف اضافه» است.

بحر: دریا بهر: برای



بیاموزیم

درسی که خواندیم (مَنْتِ خدای را ...) یک نثر قدیمی است. نثرهای قدیم، از نظر زبان و بیان با نثرهای جدید و معاصر (مانند فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، بچه‌های آسمان و کباب غاز) تفاوت دارند. به نثر فارسی از آغاز (قرن چهارم هجری) تا مشروطه **قدیم** و از مشروطه تا امروز **معاصر** می‌گویند. نثرهای قدیم را می‌توان به سه نوع تقسیم کرد:

۱- **نثر ساده:** نثری که فاقد آرایه‌های لفظی و لغات و اصطلاحات پیچیده و دشوار است. این نثر را **مُرسَل** نیز نامیده‌اند؛ کتاب‌های **تاریخ بلعمی**، **قابوس‌نامه** (شهریور ۸۴) و **سیاست‌نامه** (فرردار ۸۷ و فرردار ۸۹) با چنین نثری نوشته شده‌اند.

۲- **نثر مسجّع و فنی:** در این نوع نثر انواع سجع‌ها، مترادفات، تشبیهات، استعارات و توصیفات شاعرانه به صورت طبیعی و با رعایت اعتدال به کار رفته‌اند. **مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری** (دی ۸۶)، **کلیله و دمنه** (فرردار ۸۸ و دی ۹۰) و **گلستان سعدی** (شهریور ۸۸) نمونه‌هایی از نثر مسجّع و فنی هستند.


۳- **نثر مصنوع و متکلف:** در این نوع نثر، سجع‌های متوالی، لغات، ترکیبات و اصطلاحات دشوار و تکلفات فراوان به گونه‌ای افراطی و خارج از حد اعتدال به کار رفته‌اند. به همین دلیل، درک و دریافت اغلب آثاری که با بهره‌گیری از نثر مصنوع و متکلف به رشته‌ی تحریر درآمده‌اند، دشوار است. کتاب‌های **تاریخ جهانگشای جوینی** (دی ۸۶، شهریور ۸۷ و دی ۹۰) و **مرزبان‌نامه** (شهریور ۸۴ و دی ۸۸) نمونه‌هایی از نثر مصنوع و متکلف هستند.


مرسل: فرستاده‌شده   رسول - ارسال - مراسلات - مرسوله - رسایل

اعتدال: یکسانی  عدل - معتدل - عادل - تعدیل - معادل - تعادل

مصنوع: ساخته‌شده  صنع - صانع - صناعی - تصنع

اغلب: بیشتر  اقلب: مرد برگشته‌لب

 غلب (چیره‌شدن) - غالب (چیره) - مغلوب (شکست‌خورده) - تغلب (چیره‌شدن) - غلبه (پیروزی)

 قلب (شکل) - مقلوب (وارونه) - تقلب (ناراستی)


سینه‌اعلام

تاریخ بلعمی: کتابی است تألیف ابوعلی بلعمی در قرن چهارم، این کتاب اقتباسی است از **تاریخ طبری**، به همین سبب به ترجمه‌ی تاریخ طبری مشهور شده است.

قابوس‌نامه: کتابی است به فارسی تألیف عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر. نام قابوس‌نامه از نام مؤلف که در تاریخ به قابوس دوم معروف است گرفته شده. کتابی اخلاقی و تربیتی است که آن را برای تربیت فرزندش نوشته است.

سیاست‌نامه: یا **سیرالملوک** کتابی است به فارسی اثر نظام‌الملک وزیر مشهور سلجوقیان که در **پنج‌جاه فصل** گرد آمده است. این کتاب حاصل تجربیات چندین ساله‌ی این وزیر دانشمند است.

کلیله و دمنه: کتابی است شامل مجموعه داستان‌هایی که حیوانات قهرمان آن هستند. اصل این کتاب هندی بوده که در عهد ساسانیان به پهلوی ترجمه شده است. بعدها «نصراالله منشی» آن را از عربی به فارسی ترجمه کرده است.

 اصل کتاب کلیله به زبان سانسکریت هندی است، «برزویه طبیب» در زمان ساسانیان آن را به پهلوی ترجمه می‌کند و به ایران می‌آورد، «ابن مقفع» در قرن دوم آن را به عربی برمی‌گرداند، دوباره «رودکی» در قرن چهارم آن را به شعر می‌سراید و «نصراالله منشی» در قرن ششم آن را از عربی به فارسی ترجمه می‌کند که الآن موجود است. «نصراالله منشی» وزیر دانشمندی بوده که در زندان حاکم زمان خود کشته می‌شود!

خواجه عبدالله انصاری: پیر هرات (۴۸۱ - ۳۹۶ ه) دانشمند و عارف بزرگ که از آثار او می‌توان به **مناجات‌نامه**، **نصایح**، **کنز‌السالكين**^۱ و **الهی‌نامه** اشاره کرد.

تاریخ جهانگشای جوینی: کتابی است **تاریخی - ادبی** تألیف عظاملک جوینی (۶۲۳ - ۶۸۱ ه) در این کتاب **حمه‌ی تاریخی مغولان** به ایران تشریح شده است.

۱- **کنز** یعنی گنج، «کنز‌السالكين» یعنی گنج راهروان الهی. خواجه عبدالله انصاری کتاب دیگری به نام «زادالعارفین» یعنی توشه‌ی عارفان دارد، که شبیه نام اثری از شاعر هم‌قرن خودش ناصر خسرو است: ناصر خسرو، چون خیلی مسافرت می‌کرده و سفرنامه نوشته، «زادالمسافرین» را نوشته! و خواجه‌ی عارف «زادالعارفین» را، که هر دو برای قرن پنجم هستند.

مرزبان نامه: کتابی است شامل داستان‌ها و حکایت‌هایی به زبان حیوانات با محتوایی پندآمیز که **مرزبان بن رستم** از شاهان طبرستان آن را در اواخر قرن چهارم به زبان قدیم طبرستان تألیف کرده است. در اوایل قرن هفتم **سعدالدین وراونی** آن را به زبان فارسی دری ترجمه کرد. این ترجمه دارای نثری مصنوع و تشبیهات و استعارات فراوان است.

خودآزمایی

- ۱- در بیت زیر منظور از «تقصیر» چیست؟ (ری ۸۴، شهریور و دی ۸۵ و شهریور ۸۷ و ۹۰)

بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد

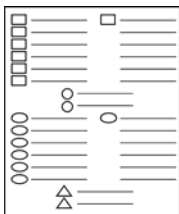
- ۲- در درس گلستان، بر کدام صفات خداوند بیشتر تأکید شده است؟ جملاتی را که نشان‌دهنده‌ی این صفات هستند، بیان کنید. (فرزاد ۸۵ و ۸۷ و شهریور ۸۶ و ۸۹)
- ۳- بیت زیر با کدام بخش درس ارتباط معنایی دارد؟ (ری ۸۷)

گفتم این شرط آدمیت نیست مرغ تسبیح‌گوی و من خاموش

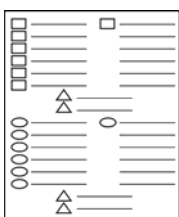
- ۴- گاه ضمیر متمثل در جای اصلی خود قرار نمی‌گیرد؛ مثلاً در مصراع «زمانه به دست تو دادم کلید» از فردوسی، ضمیر «م» که باید بعد از کلید قرار بگیرد، بعد از فعل آمده است. نمونه‌ای دیگر از این کاربرد را در درس نشان دهید.
- ۵- در شعر «افلاک، حریم بارگاہت» دو نمونه تشبیه بیابید.
- ۶- نثر درس گلستان جزء کدام نوع نثر است؟ چرا؟
- ۷- بررسی کنید ترکیب‌بند چه نوع شعری است [و چه فرقی با ترجیع‌بند دارد]. بند دیگر این ترکیب‌بند را در کلاس بخوانید.

یاسخ خودآزمایی

- ۱- کوتاهی در انجام اعمال عبادی یا کوتاهی در عبادت، گناه
- ۲- اشاره به صفت «رزاق بودن خدا»: **خوان نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده.**
- اشاره به صفت «ستارالعیوب بودن خداوند»: **پرده‌ی ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد.**
- اشاره به صفت «رزاق بودن خدا»: **وظیفه‌ی روزی به خطای منکر نبرد.**
- اشاره به صفت «رحیم بودن خدا»: **باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده.**
- ۳- همه از بهر تو سرگشته و فرمان‌بردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان‌بری
- ۴- دامنم از دست برفت = دامن از دستم (= من) برفت. = بوی گل چنان مست کرد = بوی گل چنان مستم کرد.
- ۵- روی همچو ماهت = مه طاسک گردن سمندت
- ۶- نثر گلستان مسجع و فنی است، چون در آن انواع سجع‌ها، مترادفات، تشبیهات، استعارات و توصیفات شاعرانه به صورت طبیعی و با رعایت اعتدال به کار رفته‌اند.



- ۷- **ترکیب‌بند:** شعری است چندبخشی که هر بخش آن از نظر قافیه و درون‌مایه مثل قصیده یا غزل است. این بخش‌ها را بیت قافیه‌دار متفاوت و نامکرری به هم می‌پیوندد. شکل هندسی ترکیب‌بند چنین است:



- ترجیع‌بند:** شعری است چندبخشی که هر بخش دارای قافیه‌ی جداگانه‌ای است و بیتی که در میان بندها قرار می‌گیرد و عیناً تکرار می‌شود، بندها را به هم پیوند می‌دهد. شکل هندسی ترجیع‌بند چنین است:



و حالا بندی دیگر از این ترکیب‌بند عبدالرزاق را بخوانیم:

وی قیلـه‌ی آسـمان سـرایت	ای آرزوی قَیـدَر لقایـت
ناگفته سزای تو ثنایت	در عالم نطق هیچ ناطق
هر جای که خسروی، گدایت	هر جای که خواجه‌ای، غلامت
هم جنبش آسمان برایت	هم تابش اختران ز رویت
قفل دل گم‌هوان دعایت ^۱	جان داروی عاشقان حدیث
تا سرمه کشد ز خاک پایت	بر دیده‌ی آسمان، قَدَمِ نِه

ای کرده به زیر پای کَوْنین^۲

بگذشته ز حَدِّ قَابِ قَوْسین^۳

۱- دعا: نفرین

۲- کَوْنین: دنیا و آخرت

۳- «قَابِ قَوْسین» اشاره به سوره‌ی نجم، آیه‌ی نهم که درباره‌ی معراج پیامبر ﷺ است.

پاداش و پاداش‌دانی

- ۱ الف) نثر: پراکنده؛ نصر: پیروزی با توجه به واژه‌ی نظم یعنی شعر، در هر دو کمانک نثر صحیح است.
- ب) منصور: پیروز؛ منثور: پراکنده با توجه به واژه‌ی مظفر به معنی پیروز، مترادفش منصور صحیح است.
- ۲ گزینه‌ی «۳» وقتی در تستی می‌پرسند «با همه‌ی آیات، به جز، تناسب معنایی دارد.» یعنی سه بیت مضمون مشترکی دارند، هل کردن چنین تستی مثل آب‌فوردن است! فقط باید اونا رو درست بفونی! بیت زیر را دوباره بخوانید:
- بخشش خود را به شکر کس نیالاید که هست در ره آزادمردی شکر جزوی از جزا
- یعنی اگر آزادمردان بخشش و کار نیکی انجام دهند، به دنبال شکر و سپاس نیستند، چون در نظر آزادمردان شکر کردن نوعی پاداش دادن است. (این موضوع هیچ ربطی به «شکر نعمت نعمت افزون کند» ندارد!)
- ۳ گزینه‌ی «۱» کافی بود آفر جمله‌ها را رصد می‌کردید! نداشتیم با ندانستم و موافق با صادق
- ۴ بیت «الف» بیانگر این واقعیت است که آسایش بی‌رنج در این جهان وجود ندارد. بیت «ب» بیانگر این نکته است که کسی که بدی کرده، نتیجه‌ی خوبی نمی‌گیرد.
- ۵ گزینه‌ی «۴» در مصراع دست و بازو چون بلور و عارض و دندان چو دُرّ واژه‌ی دست در معنی حقیقی خود به کار رفته است. (در ضمن عارض یعنی چهره و صورت)؛ مجاز گزینه‌ها: ۱ دست: مجازاً انگشتان ۲ دست: مجازاً قدرت ۳ دست: مجازاً انگشت
- ۶ گزینه‌ی «۱» وقتی می‌پرسند، مفهوم مقابل بیت یعنی مفهوم متضاد بیت!! یاد تون نره با مفهوم بیت مقابل اشتباه نکنید! بنابراین پاسخ گزینه‌ی (۱) است؛ سعدی می‌گوید «بنده همان به که ز تقصیر خویش / عذر به درگاه خدای آورد» یعنی به خاطر گناهان خود عذرخواهی کنیم، در حالی که بیدل دهلوی در بیت زیر عکس این قضیه را پیشنهاد می‌کند!! عذرخواهی برای گناهان نشانه‌ی کم‌همتی است:
- به که به پیش کریم ناز کنی وقت جُرم ورنه ز کم‌همتی است عذر گنه خواستن
- ۷ گزینه‌ی «۲» «رآق بودن خداوند» فقط در بیت «روزی ز خزانه‌ی کسی خواه / کاو را نبود مکاس هرگز» آمده است، مکاس یعنی چانه‌زدن مفاهیم دیگر گزینه‌ها: ۱ دست نیاز به سوی انسان‌های حقیر دراز نکردن ۲ پرهیز از طمع کردن ۳ وصف کردن کسی که از عشق بویی نبرده!
- ۸ گزینه‌ی «۴» اگر پاسخ این سؤال رو غلط زری به خاطر اینه که انواع پو(ن) را نمی‌دونی!! در گزینه‌ی چهارم چون ادات تشبیه نیست.
- ۱ هاتف دل: اضافه‌ی تشبیهی ۲ چون: ادات تشبیه ۳ روز، نوروز: روزش مثل نوروز باد، ادات تشبیه حذف شده است.
- ۹ گزینه‌ی «۲» سرو در مصراع: از این اندیشه کان سرو سهی داشت استعاره از شیرین است.
- ۱۰ الف) خان اولی به خاطر آقا و خوان دومی به خاطر خورش به همین شکل صحیح هستند.
- ب) نسیم قرینه‌ای است که اثبات می‌کند باد صبا صحیح است.
- ج) اولین کمانک قباله‌ی زمین و دومی ضمین یعنی برای ضمانت است.
- ۱۱ گزینه‌ی «۳» درختان را به خلعت نوروزی با باد شباش خرده‌ی زر کرد در دهن ارتباط دارد، داستان از این قرار است که در قدیم بزرگان به عنوان هدیه به دیگران خلعت می‌دادند یا دهانشان را پر از سکه‌ی طلا می‌کردند!
- مفاهیم آیات گزینه‌های دیگر: ۱ فرای من، چه قدر فوشگله صورتش کل سرفه یا گل سمنه یا بالای سرو، گل یاسمن شکفته!! ۲ چشم تو مثل آهویی می‌مونه که هنگام ترک تازی و حمله، به سوی کشور جان‌ها میره و ارواح را به تسخیر خودش درمیاره! ۳ زلف تو کی به شکسته‌دلی ما توجه داره؟ وقتی خودش زیر هر خم، صدتا تار شکسته داره!
- ۱۲ گزینه‌ی «۴» چو خسرو شدی، بندگی را بکوش یعنی برای بندگی بکوش. («را»ی حرف اضافه)
- «را»های فک اضافه: ۱ جهان‌آفرین را به دل دشمن است: در دل، دشمن جهان‌آفرین است. ۲ مرا نصیب غم آمد: غم نصیب من آمد (شد). ۳ نزدیک است والی را سرای: سرای والی نزدیک است.
- ۱۳ گزینه‌ی «۲» تلمیحات گزینه‌های دیگر: ۱ یوسف ۲ جام جهان‌نمای جمشید ۳ داستان سلیمان

۱۴ گزینه‌ی «۳» ابیات گزینه‌های (۱) و (۲) موضوعشان «غفلت» است ولی هیچ اشاره‌ای به کار ابر و باد و مه و خورشید و فلک ندارند. موضوع بیت گزینه‌ی (۴) هم «بخشندگی» است ولی بیت گزینه‌ی (۳) با بیت سؤال هم‌خوانی کامل دارد؛ مصراع اولش غفلت را می‌گوید و مصراع دوم «دیدهبانی ستارگان آسمان را».

۱۵ گزینه‌ی «۳» یاد و شاد در این گزینه جناس ناقص اختلافی دارند. (آفه «پیامی» و «سلامی» کبا یناس دارن که بیت گزینه‌ی (۱) رو انتقاب کرده بودی!)

۱۶ گزینه‌ی «۴» بهترین آرایه برای یافتن پاسخ در این سؤال تشبیه است؛ جان به گوهر و تن به صدف تشبیه شده است. (گوهر و صدف = دست و انگشت مراعات‌نظیر دارند و انگشت‌ساییدن کنایه از جست‌وجو کردن است.)

درود دوباره!

از این که ۵ درس رو دقیق فوندری ممنونم! حالا وقتش رسیده که از یک آزمون به سبک کنکور سراسری سر بلند بیرون بیایی و هتماً این طوره! وقت پیشنهادی این آزمون ۲۰ دقیقه است، به تمام سؤالات پاسخ بده، تو می تونی، قبلاً اینو ثابت کردی، حالا فکر کن؛ این سؤالات نمره‌ی منفی نداره و همه شون رو حل کن، فکر کن یه دکتر یا مهندس این تست ها رو حل می کنه! علی یارت!

آزمون ۱ درس ۱ تا ۵

۱- در متن زیر واژه‌های «طره - تکاپو - کندوکو کردن» به ترتیب به چه معنی است؟

«شب طره‌ی پرچم سیاهت - بباشد به کام تو خون ریختن / ببینی تکاپوی و آویختن - رفتیم سراغ در پلکان بام مسجد و مدتی با قفلش کندوکو کردیم.»

(۱) حاشیه‌ی پرچم - دویدن - تفحص نمودن

(۲) زلف بناگوش - تلاش کردن - جست‌وجو کردن

(۳) موی جلوی پیشانی - جست‌وجو کردن - کندوکاو کردن

(۴) رشته‌های سیاه پرچم - جنگیدن - ورفتن

۲- در کدام گروه کلمه‌ها معنی همی واژه‌ها صحیح است؟

(۱) آستان (درگاه) - هوار (فریاد) - نبات (دختران)

(۲) فایق (برگزیده) - کی (ملک) - بی‌دریغ (مضایقه)

(۳) ناموس (قانون) - پاس (بهره) - پستو (صندوق‌خانه)

(۴) طاسک (آویز طلا) - باسق (برتر) - حریم (پیرامون)

۳- معانی درست واژه‌های «وسیم - حلیه - ایدر - سیدره» به ترتیب، کدام است؟

(۱) داغ‌نهاده - زینت - هم‌زمان - درخت آسمانی

(۲) شناخته‌شده - هدیه - آن‌جا - درخت

(۳) دارای نشان پیامبری - زیور - اکنون - درختی در آسمان هفتم

(۴) خوش‌اندام و زیبا - نیرنگ - این‌جا - آسمان

۴- چند واژه در کمانک مقابل آن، نادرست معنی شده است؟

«تیرک (ستون) - صفوت (برگزیده) - تاک (انگور) - خلعت (هدیه) - زه (چله‌ی کمان) - مقیم (اقامت‌کننده) - پانتومیم (نمایش صامت) - آوردگاه (میدان جنگ)»

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۵- در عبارت «او رفت و این رسالت - چنان که شنیده بود - به محلّ ادا رسانید. شاه پیلان را از استماع این سخن دلایل برافروخته‌گی غضب در پیشانی پدید آمد، افسار توسن طبیعت بگسست و یکی را از سَفهای سفرا که وقاحت به گره پیشانی باز بسته بود، پیش خواند و گفت: برو شیر را از من پیغام بگذار و بگویی که تو در مجلس معرکه‌ی مردان که ساقیان اجل شراب خون به کاسه‌ی سر دلبران دهند، جرعه‌کشی نکرده‌ای و از صدمه‌ی پای پیل چه خبر داری؟» چند غلط املائی و رسم‌الخطی هست؟

(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۶- در متن زیر، کدام واژه از نظر املائی نادرست است؟

«مرد با خود گفت: اگر اهمالی ورزم، از فواید حزم و منافع عقل و کیاست بی‌بهره‌گردم. عزیمت بر این مکر و قدر قرار داد. ملک بفرمود تا او را گرد شهر بگردانند و برکشند. این است مثل پادشاهان و شناخت حال اتباع و احتراز از آن چه بر بدیهه اعتمادی فرمایند.»

(۱) اتباع (۲) اهمال (۳) حزم (۴) قدر

۷- در عبارت «شرط سالک آن است که دل از حرص و طمع پاک کند و همیشه اجل بر امل قالب دارد و در همه‌ی احوال اعمال خویش را به میزان شرع سخته دارد که بذل مال سخاوت است و بذل نفس فتوت. مروّت عنوان طریقت است و فتوت سلاح صحبت، دل صوفی که خزانه‌ی محبت الهیّت است، از همه‌ی جوانب محفوظ است و به حقیقت مراقبت مضبوط.» چند غلط املائی وجود دارد؟

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۸- متن «مردی در کسوت درویشان نه بر سیرت ایشان، دام تزویر نهاده و حقه‌ی مکر باز گذارده بود تا شاید اهل سلاح را فریب دهد و سگ نفس آنان را آسیب رساند. آنانی که صیانت از خلق خویش را واجب نداشته‌اند با یک عمر عزیمت خویش به وادی تقصیر گرفتار دارد تا آنان را که قلب خود علیل داشته‌اند به عتاب حق گرفتار سازد. او کسی نبود جز ابلیس پرتلبیس که پیوسته زازخای صفوت عالمیان و آدمیان است.» چند غلط املائی دارد؟

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۹- هسته‌ی داستان‌های «گاو - گیله‌مرد - گل‌دسته‌ها و فلک» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

(۱) عشق به حیوانات - ظلم‌ستیزی - کنجکاو‌ی کودکانه

(۲) وابستگی انسان‌ها - شجاعت - معرفت در دوستی

(۳) تعامل انسان و حیوان - انسان‌ستیزی - فرار از ترس

(۴) از خود بیگانگی - ظلم و ستم بر رعیت - ماجراجویی همراه با خطر

۱۰- متن «این نویسنده‌ی پرکار و مشهور معاصر ایرانی در ۱۱ آذر ۱۳۰۲ در خانواده‌ای مذهبی - روحانی به دنیا آمد. دوران کودکی و نوجوانی‌اش در نوعی رفاه اشرافی روحانیت گذشت. پس از اتمام دوران دبستان، پدرش به او اجازه‌ی درس خواندن در دبیرستان را نداد، اما او که همواره طالب و جویای حقیقت بود، به این سادگی تسلیم نشد. در سال ۱۳۳۲ وارد دانشسرای عالی تهران می‌شود و در رشته‌ی ادبیات فارسی به تحصیل می‌پردازد. وی پس از طیّ تحصیلات معلّم روستا شد و به‌جز نوشتن داستان به نگارش مقالات اجتماعی، پژوهش‌های مردم‌شناسی، سفرنامه‌ها و ترجمه‌های متعددی نیز پرداخت و پس از سال‌ها مبارزه‌ی فرهنگی و سیاسی در اسالم گیلان درگذشت.» چه کسی را معرفی می‌کند؟

(۱) محمدعلی جمال‌زاده (۲) جلال آل‌احمد (۳) عبدالله مستوفی (۴) پرویز داریوش

۱۱- پدیدآورندگان «برادران کارامازوف - دیوید کاپرفیلد» به ترتیب خالق آثار مهمی گزینه‌ها به‌جز گزینه‌ی نیز هستند.

(۱) داستان دو شهر - دون کیشوت (۲) دهکده‌ی استپانچکوف - آرزوهای بزرگ

(۳) ابله - داستان دو شهر (۴) خانه‌ی اموات - آرزوهای بزرگ

۱۲- نام آثاری از «عنصرالمعالی - نظام‌الملک و عظام‌الملک» و نام مترجم «مرزبان‌نامه»، به ترتیب در کدام گزینه به درستی آمده است؟

(۱) قابوس‌نامه - سیاست‌نامه - تاریخ جهانگشا - مرزبان بن رستم (۲) سیاست‌نامه - قابوس‌نامه - تاریخ جهانگشا - ابوالفضل بلعمی

(۳) قابوس‌نامه - سیرالملوک - تاریخ جهانگشا - سعدالدین وراوینی (۴) سیاست‌نامه - تاریخ جهانگشا - سیرالملوک - ابوالفضل بیهقی

(سراسری زبان ۱۹)

۱۳- در همهی ابیات، به‌جز بیت اسلوب معادله به کار رفته است.

(۱) شراب‌گرد کدورت نبرد از دل ما (۲) دو منزل‌اند دل و دیده، هر دو خانه‌ی تو

(۳) در خزان از عندلیبان بانگ افسوسی نخاست (۴) دیده‌بستن ز جهان فیض و گشایش دارد

(۴) دیده‌بستن ز جهان فیض و گشایش دارد

۱۴- دو آرایه‌ی استعاره و کنایه در همهی ابیات به‌جز بیت گزینه‌ی وجود دارد.

(۱) یاقوت آب‌دار تو آورد عاقبت (۲) ترسم آخر اختلاط ذکر خیر این گروه

(۳) عتابش گرچه می‌زد شیشه بر سنگ (۴) خطاب آمد که ای پاکان درگاه

(۴) خطاب آمد که ای پاکان درگاه

۱۵- در بیت «چون سلیمان قدر دل اکنون نمی‌دانی که چیست / آن زمان انگشت می‌خایی که بی‌خاتم شوی» همهی آرایه‌های یافت می‌شود.

(۱) اسلوب معادله - تشبیه - اغراق - مراعات‌نظیر (۲) تشبیه - تلمیح - مراعات‌نظیر - کنایه

(۳) تلمیح - استعاره - کنایه - تضاد (۴) مراعات‌نظیر - تضاد - ایهام - تشخیص

۱۶- در کدام بیت علاوه بر تشبیه و جناس تام نوعی ایهام نیز مشاهده می‌شود؟

(۱) از خدا بهر تو خواهم صد بلا اما اگر (۲) تربیت مشتری گر نکند طالعت

(۳) خون تراوش می‌کند از چاک‌های سینه‌ام (۴) بلبل‌آسا همه شب تا به سحر ناله زنم

(۴) بلبل‌آسا همه شب تا به سحر ناله زنم

۱۷- مفهوم «در ره عشق که از سیل بلا نیست گذار / کرده‌ام خاطر خود را به تمنای تو خوش» با کدام بیت مناسب است؟

(۱) در ره عشق به‌جز محنت و غم نیست ولی (۲) در ره عشق تو با درد و الم ساخته‌ایم

(۳) در ره عشق تو عمری شد که حیران مانده‌ام (۴) در ره عشق رسی زود به جایی «واعظ»

(۴) در ره عشق رسی زود به جایی «واعظ»

۱۸- بیت «ای از بر سدره شاهرهات / وی قبه‌ی عرش تکیه‌گاهت» با همهی ابیات، به استثنای بیت نوعی ارتباط مفهومی دارد.

(۱) چنان راند و بشد از سدره تا نور (۲) هر که جز او، بر در آن راز ماند

(۳) ز ماه آن صدر عالی‌قدر بگذشت (۴) بگو جبریل را از من پیامی

(۴) بگو جبریل را از من پیامی

۱۹- مفهوم «ولیکن خداوند بالا و پست / به عصیان در رزق بر کس نیست» با کدام گزینه قرابت مفهومی دارد؟

(۱) رزق ما از بحر پرگهر بود دست تهی (۲) کریم را ز طرف نیست چشم استحقاق

(۳) ای نفس چون وظیفه‌ی روزی مقرر است (۴) رزق ما بی‌دست و پایان بی‌طلب خواهد رساند

(۴) رزق ما بی‌دست و پایان بی‌طلب خواهد رساند

(۴) رزق ما بی‌دست و پایان بی‌طلب خواهد رساند

۲۰- مفهوم بیت «قبول است اگرچه هنر نیستش / که جز ما پناهی دگر نیستش» در همهی ابیات به استثنای بیت آمده است.

- | | |
|---------------------------------------|---------------------------------|
| ۱) پیر دردی کش ما گرچه ندارد زر و زور | خوش عطابخش و خطاپوش خدایی دارد |
| ۲) حسد چه می‌بری ای سست‌نظم بر حافظ | قبول خاطر و لطف سخن خداداد است |
| ۳) از لطف دوست سگه‌ی دولت به نام ماست | اقبال یافتیم و سعادت غلام ماست |
| ۴) گفتم چو لطف بارخدایم قبول کرد | جانم ز قهر و غصه‌ی ایام رسته شد |

۲۱- کدام بیت با متن «باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده. پرده‌ی ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد

و وظیفه‌ی روزی به خطای منکر نبرد.» ارتباط معنایی ندارد؟

- | | |
|--|------------------------------------|
| ۱) ای لطف تو دستگیر هر خودرایی | وی عفو تو پرده‌پوش هر رسوایی |
| ۲) در چنین وقتی که شاخ خشک ما در آتش است | حله‌ی رحمت ز دوش نوبهار افتاده است |
| ۳) چو آن خوان کرم گسترده آمد | همه کردار بد ناکرده آمد |
| ۴) تو یک نوبت ای ابر رحمت بیار | که در پیش باران نیاید غبار |

۲۲- «بی خبری» در کدام بیت در مفهوم غیر عرفانی و به معنی «جهالت» به کار رفته است؟

- | | |
|--|--------------------------------------|
| ۱) «جامی» از عشق مهبی بی‌خبر افتاده ز خویش | گشته مشهور، همه شهر کنون این خیر است |
| ۲) زنه‌ار به مست در میخانه مخندید | کاین بی‌خبری با خبر از خویشتنش کرد |
| ۳) حسن خود بر دل هر بی‌خبری عرضه مکن | عشق تو گنج نفیس است به هر جای منه |
| ۴) تا شدم بی‌خبر از خویش، خبرها دارم | بی‌خبر شو که خبرهاست در این بی‌خبری |

۲۳- مفهوم «یا ملائکتی قد استحییبت من عبدی و لیس له غیری فقد غفرت له» در کدام بیت آمده است؟

- | | |
|--|---------------------------------------|
| ۱) که هست از جرم ایشان فضل ما بیش | حقیقت رحمت ما بی‌شمار است |
| ۲) بیدل از این ستمکده راحت کس گمان مبر | دیده ز خس نمی‌کشد آن‌چه دل از نفس کشد |
| ۳) ز بند او نهد کس به شید یا به جنون | ز دام او نرهد هیچ عاقلی به خرد |
| ۴) جذبه‌ی عشق نیچند به ملایک صائب | این کمندی است که در گردن انسان باشد |

۲۴- «درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در برگرفته.» با مفهوم کدام بیت قرابت معنایی ندارد؟

- | | |
|---|--|
| ۱) ز صنّعش خوشه‌ی انگور زیر برگ پنداری | چو شاخ زلف معشوق است در زیر گله پنهان |
| ۲) کند برگ درختان را به ماه مهرگان زرین | چو گردد ابر گوه‌ربار بر گه‌سار سیم‌افشان |
| ۳) درآید زاغ چون ابلیس در بستان چون جنت | درخت از حله‌ی نوروز چون آدم شود عریان |
| ۴) چو او بستان بیاراید به گل‌ها راست پنداری | به حورالعین همی بخشد ز جنت حله‌ها، رضوان |

۲۵- مفهوم عبارت «امیر از دور بدید و بشنید و بخندید و گفت: ای حکیم، از من چیزی بخواه. گفت: جامه‌ی خود می‌خواهم اگر انعام می‌فرمایی.»

با مفهوم کدام گزینه تناسب ندارد؟

- | | |
|--|--|
| ۱) چون تو را در دل ز بهر دوست نبود هیچ کار | نیست در خیر تو چیزی، جان مکن بر خیرخیر |
| ۲) در بادیه‌ی عشق دویدن چه خوش است | وز خیر کسان طمع‌بریدن چه خوش است |
| ۳) هرگز از جود تو نگرفت کس اندازه‌ی آز | هرگز از خیر تو نشنید کس آوازه‌ی شر |
| ۴) غیر خدا هیچ‌کس مونس جان تو نیست | دست توقع بکش «فیض» ز خیر کسان |

آزمون ۱

۱- گزینهی «۴» / طره در لغت به معنی موی جلوی پیشانی است ولی در شب طره‌ی پرچم سیاهت به معنی رشته‌های سیاه حاشیه‌ی پرچم است. / تکاپو در لغت به معنی دویدن و جست‌وجو کردن است اما در بیت «باشد به کام تو خون‌ریختن / ببینی تکاپوی و آویختن» مجازاً به معنی جنگیدن است. / کندوکو کردن عامیانه‌ی «کندوکاو» است به معنی جست‌وجو و تفحص کردن است. در عبارت رفتیم سراغ در پلکان بام مسجد و مدتی با قفلش کندوکو کردیم یعنی با قفل در ور رفتن

۲- گزینهی «۳» / غلط‌های دیگر گزینه‌ها: ۱ نبات: گیاهان ۲ بی‌دریغ: بی‌مضایقه (دریغ: مضایقه) ۳ باسق: بلند

۳- گزینهی «۳» / وسیم: دارای نشان پیامبری / حلیه: زیور، زینت / ایدر: این‌جا، اکنون / سیدره: نام درختی است در بالای آسمان هفتم که آن را سدره‌المنتهی گویند.

۴- گزینهی «۲» / ۱- تاک: درخت انگور ۲- خلعت: جامه‌ی دوخته که بزرگی به کسی بخشد.

۵- گزینهی «۲» / همیشه ابتدا غلط رسم‌الخطی را بیابید: برافروخته‌گی (برافروختگی)

شکل صحیح دو غلط دیگر نیز چنین است: وقاحت: بی‌شرمی = پیغام بگزار: پیغام را ادا کن، به‌جا بیاور

۶- گزینهی «۴» / با توجه به مکر، واژه‌ی قدر غلط املائی دارد و شکل صحیح آن غدر است.

۷- گزینهی «۲» / ۱- با توجه به قرینه‌ی اعمال واژه‌ی عمل به جای «امل» صحیح است. ۲- غلط دیگر «قالب» است، که شکل درست آن غالب است؛

توجه بفرمایید: و همیشه اجل بر عمل غالب دارد و در همه‌ی احوال اعمال خویش را به میزان شرع سخته دارد. (سخته: سنجیده)

۸- گزینهی «۱» / مردی مزور می‌خواهد اهل صلاح را فریب دهد. صلاح از صالح می‌آید و «صلاح» از اسلحه می‌آید و صد البته می‌دانید که «اسلحه» در

عربی جمع سلاح است و در فارسی مفرد به کار می‌رود؛ مثل: طلبه یا عمله

۹- گزینهی «۴» / طرح داستان گاو بر پایه‌ی از خود بیگانگی است. / بزرگ علوی در داستان گیله‌مرد ظلم و ستم بر رعیت و عکس‌العمل نسبت به این

ظلم و ستم را طرح می‌کند. / هسته‌ی داستان گل‌دسته‌ها و فلک نیز ماجراجویی دو نوجوان است که خطر می‌کنند و از گل‌دسته‌ی مسجد بالا می‌روند.

۱۰- گزینهی «۲» / متن سؤال، جلال آل‌احمد را معرفی می‌کند.

۱۱- گزینهی «۱» / برادران کارامازوف - ابله - خانه‌ی اموات - دهکده‌ی استپانچکوف از آثار داستایوسکی / دیوید کاپرفیلد - آرزوهای

بزرگ - داستان دو شهر از آثار چارلز دیکنز هستند.

۱۲- گزینهی «۳» / کتاب قابوس‌نامه از عنصرالمعالی کیکاووس بن وشمگیر است. / سیرالملوک یا سیاست‌نامه را خواجه نظام‌الملک نوشته است. /

کتاب تاریخ جهانگشا را عطاملک جوینی به رشته‌ی تحریر درآورده است. / مرزبان‌نامه را در اصل مرزبان بن رستم به زبان طبری نوشته ولی بعدها در قرن

هفتم سعدالدین وراوینی آن را به فارسی ترجمه کرده است.

۱۳- گزینهی «۲» / بیت زیر حسن تعلیل قشنگی دارد ولی هیچ معادله‌ای در آن دیده نمی‌شود!

دو منزل‌اند دل و دیده، هر دو خانه‌ی تو / چه حاجت است که من گویمت کجا بنشین

اسلوب معادله در گزینه‌های دیگر:

۱ شراب معادلِ سحاب (ابر) / دل ما معادلِ دانه‌ی سوخته

۳ عندلیبان معادلِ یاران / خزان معادلِ ورق‌برگشتن / بانگ افسوس معادلِ چشم‌یاری

۴ فیض و گشایش داشتن معادلِ برگ و نوا دیدن / [انسان] معادلِ گدا / دیده‌بستن معادلِ کورشدن

۱۴- گزینهی «۴» / ۱ یاقوت استعاره از لب / بر روی کار آوردن کنایه از آشکارکردن ۲ لعل استعاره از لب / بر زبان افکندن کنایه از

زبانزدکردن، مشهورکردن ۳ عقیق استعاره از دهان / در جنگ نرخ‌بریدن کنایه از سوء استفاده کردن از موقعیت ۴ این بیت تلمیح دارد به آفرینش آدم و

سجده‌ی فرشتگان

۱۵- گزینهی «۲» / دیدن این آرایه‌ها کافی است که گزینه‌ها را رد کنید: ۱- اسلوب معادله ۲- تضاد ۳- تشخیص

بررسی آرایه‌های بیت: تشبیه و تلمیح: چون سلیمان / مراعات نظیر: سلیمان و خاتم / کنایه: انگشت‌خاییدن کنایه از پشیمان شدن

۱۶- گزینهی «۴» در بین آرایه‌های تشبیه، جناس تام و ایهام، بهترین آرایه تشبیه و جناس تام است که ملموس‌تر و راحت‌تر از ایهام‌اند. در گزینهی سوم **طفل اشک** و در گزینهی چهارم **بلبل آسا** تشبیهات ما هستند. در گزینهی سوم دو کلمه‌ی مثل هم نیست تا بخواهیم جناس تام را بررسی کنیم؛ پس حتماً گزینهی چهارم پاسخ صحیح است. جناس تام: بو به معنی امید و بو به معنی رایحه و **گلستان** می‌تواند به دو معنی باشد: ۱- گلستان سعدی ۲- باغ و گلستان؛ ولی در متن سؤال هیچ نشانه‌ای نیست که بفهمیم این بیت از گلستان سعدی است، در سؤال پرسیده‌ایم «نوعی ایهام!»

۱۷- گزینهی «۱» بیت کتاب که یادتونه! چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیان؟ بیت مطرح‌شده در سؤال هم همین موضوع را تعقیب می‌کند. **کرده‌ام خاطر خود را به تمنای تو خوش** و در گزینهی اول مصراع دوم نیز بر همین مفهوم تأکید می‌کند: **چه غم از محنت راه است چو همراه تویی** مفاهیم دیگر ابیات: ۲) عشق با درد و رنج همراه است. ۳) تقابل عقل و عشق که عقل در مقابل عشق نادان است. ۴) عشق ما را به دنیای بی‌نهایت الهی وصل می‌کند.

۱۸- گزینهی «۴» همان‌طور که می‌دونید، بیت صورت سؤال درباره‌ی معراج است ولی بیت زیر قبول دارد که نمی‌تواند به معراج برود، چون مثل جبرئیل پیکر نوری ندارد، غافل از این که جبرئیل با آن پیکر نوری نتوانست به معراج برود ولی پیامبر ﷺ رفت، چون خلیفه‌ی خدا در زمین بود و انسان به تبعیت از پیامبر می‌تواند به معراج برود، ولی متأسفانه شاعر بیت زیر ناامید است!

بگو جبرئیل را از من پیامی مرا آن پیکر نوری ندادند

۱۹- گزینهی «۲» **به عصیان در رزق بر کس نیست = به کفر، رزق ز کافر خدا نمی‌گیرد.**

۲۰- گزینهی «۲» وقتی می‌پرسند، مفهوم بیت «فلان» در کدام بیت نیامده، یعنی سه بیت مطرح‌شده در گزینه‌ها با بیت سؤال هم‌مفهوم‌اند. اگر مفهوم بیت سؤال را نیافتید، نگران نباشید، میان‌رُ بزنید به گزینه‌ها! مفاهیم ابیات را مقایسه کنید: ۱) امیدواری به لطف خدا ۲) هنر شعرگویی یک لطف خدادادی است. (ای حسود تو مورد لطف خدا واقع نشده‌ای!) ۳) لطف خدا شامل حال ما شده است. ۴) لطف خدا مرا موفق گردانید.

۲۱- گزینهی «۲» یعنی از رحمت الهی خبری نیست! **حله‌ی رحمت ز دوش نوبهار افتاده است!**

۲۲- گزینهی «۳» بیت گزینهی سوم تابلوست که بی‌خبری از عشق را عرضه می‌کند.

۲۳- گزینهی «۱» معنی عبارت عربی را حتماً می‌دانید و مفهومش را که خداوند بسیار بسیار بخشنده است و رحیم.

مفاهیم دیگر ابیات: ۲) دنیا جایگاه رنج و سختی است. ۳) از عشق گریزی نیست. ۴) فرشته‌ها عشق را نمی‌فهمند!

۲۴- گزینهی «۲» قباب سبز در فصل بهار بر تن درختان پوشیده می‌شود، اما در گزینهی دوم از فصل **مهرگان** و پاییز سخن می‌گوید.

۲۵- گزینهی «۳» در حکایت گلستان، شاعر موردنظر جامه‌ی خود را می‌خواهد یعنی امیدوی به خیر و بخشش امیر دزدان ندارد ولی در بیت زیر برعکس از بخشش و خیر ممدوح تعریف و تمجید شده است؛ بیت را دوباره بخوانید:

هرگز از جود تو نگرفت کس اندازه‌ی آز هرگز از خیر تو نشنید کس آوازه‌ی شر

من عادت ندارم به کسی بگم «فسته نباشی» چون تلقین یک جمله‌ی منفیه، دوست هم ندارم این جمله رو بشنوم! به باش می‌گیم، «چه کار فوبی انهام داریم»، «چه روز فوبی داشتیم». حالا آله ۲۰ تا یا بیشتر از ۲۰ تا جواب صحیح داری، نشون میده که فیلی فوب کار کردی، ولی عالی‌تر باید باشه، آله غیر از اینه، نشون میده که باید تلاش بیشتری بکنی، تست‌های بیشتری حل کنی، فقط همین، نشان از ضعف و ناتوانی نیست، نشان از قررتی که فهمیدیم در چه وضعیتی قرار داریم، ما به عقابیم و باید از کارهای خودمان درس بگیریم، «از ماست که بر ماست» ما (و فقط «ما») مسئول کارهای خودمان هستیم، موفقیت در انتظار توست، مطمئنم!



مَدَت امتحان: ۸۰ دقیقه		رشته: ریاضی فیزیک و علوم تجربی	
www.kheilisabz.com مرکز سنجش خیلی سبز		سال سوم آموزش متوسطه	
ردیف	سؤالات	نمره	
۱	الف) معنی و مفهوم شعر و نثر (۶ نمره) بیت‌ها و عبارات‌های زیر را به نثر روان برگردانید. ۱- بر آن باره‌ی پیل پیکر نشست. ۲- بد آتیشی به جون خودت زدی. ۳- ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند. ۴- عقل دویده در رکابت ۵- ز نیرنگِ زالی بدین سان دُرُست ۶- پیکان که «آنان را ایستانیده بودند که از بغداد آمده‌اند!» ۷- بازگشتم، با نامه‌ی توقیعی و این حال‌ها را با بونصر بگفتم. ۸- در خیر است از سَرورِ کاینات و مَفخرِ موجودات محمد مصطفی ﷺ. ۹- و گفت: «چون نامه‌ها گسیل کرده شود، تو باز آی که پیغامی ست سوی بونصر در بابی، تا داده آید.» ۱۰- یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده. ۱۱- «من امروز، نَز بهر جنگ آمدم پی پوزش و نام و ننگ آمدم»	۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۷۵ ۰/۷۵ ۱ ۱	
۲	ب) لغت (۲ نمره) معنی واژگان مشخص شده را بنویسید. ۱۲- با سه <u>مجمِر</u> و سه تن از دانایان، بر پشته‌ای بلند برآمد. ۱۳- پس، به <u>گران</u> آب فرود آمدند و خیمه‌ها و <u>شراع</u> ها زده بودند. ۱۴- گرمایی سخت و تنگی <u>نفقه</u> و <u>علف</u> نایافت. ۱۵- بانگ و <u>هزاهز</u> و <u>غریو</u> خاست. ۱۶- جبریل، <u>مقیم</u> آستانت ۱۷- کمندی به <u>فتراک</u> زین بریست ۱۸- <u>خَرَق</u> عادت از مهم‌ترین زمینه‌های حماسه است. ۱۹- آن‌جا که موضوع، <u>مستلزم</u> تأمل و اندیشه است، <u>لحن</u> بیبھی آرام است.	۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵	
۳	پ) خودآزمایی (۳ نمره) ۲۰- در بیت زیر منظور از «تقصیر» چیست؟ «بنده همان به که ز <u>تقصیر</u> خویش عذر به درگاه خدای آورد» ۲۱- بیت «نهاد آن بُن نیزه را بر زمین / ز خاک سیاه، اندر آمد به زین» بیانگر چه حالتی است؟ ۲۲- در بیت زیر چه قسمتی از جمله در جای اصلی خود قرار نگرفته است؟ «چون موی توام در دو جهان، روی سیه باد گر یک سر موی تو فروشم به دو عالم» ۲۳- در داستان «گاو» آوردن عباراتی مثل «[گاو] دست و پایش را جوری دراز کرده بود مثل این که مرد خسته‌ای خوابیده است.» مربوط به کدام یک از عناصر داستان نویسی است؟ ۲۴- نویسنده در داستان «کمال‌الملک» از چند نوع زبان برای نشان دادن شخصیت افراد بهره گرفته است؟ (ذکر دو مورد) ۲۵- مقصود کلی قسمت‌های مشخص شده در عبارات‌های زیر را بنویسید. الف) «مرا چه افتاده است که زر کسی دیگر برد و شمار آن به قیامت مرا باید داد!» ب) «اما ایزد رحمت کرد پس از نمودن قدرت.» ۲۶- نثر کتاب‌های «جهانگشای جوینی» و «تاریخ بلعمی» جزء کدام نوع نثر است؟ ۲۷- درباره‌ی اصطلاحات مشخص شده توضیح دهید: الف) و هنر آن بود که کشتی‌های دیگر به او نزدیک بودند. ب) گذاشتن این کلاه دُمده‌ی سر بر باد ده.	۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵	
	«ادامه‌ی سؤالات در صفحه‌ی دوم»		

مدت امتحان: ۸۰ دقیقه		رشته: ریاضی فیزیک و علوم تجربی		آزمون درس‌های ۱ تا ۷ ادبیات فارسی ۳											
www.kheilisabz.com مرکز سنجش خیلی سبز		سال سوم آموزش متوسطه													
ردیف	سؤالات	نمره													
۴	<p>ت) دانش‌های ادبی (۳ نمره)</p> <p>۲۸- کدام مورد از آثار کمال‌الملک نیست؟</p> <p>۱) تالار آیینه ۲) یهودگی فالگیر بغدادی ۳) جهان‌پهلوان تختی ۴) میدان کربلا</p> <p>۲۹- درون‌مایه‌های داستان «رزم رستم و اسفندیار» چیست؟ (سه مورد)</p> <p>۳۰- کدام مورد درست نیست؟</p> <table border="1"> <tr> <td>موضوع</td> <td>لحن داستان «کباب‌غاز»</td> <td>زاویه‌ی دید در داستان «گاو»</td> <td>هسته در داستان «گیله‌مرد»</td> <td>راوی داستان «کباب‌غاز»</td> </tr> <tr> <td>ویژگی</td> <td>طنزگونه</td> <td>اول شخص</td> <td>ظلم و ستم بر رعیت</td> <td>دانای کل</td> </tr> </table> <p>۳۱- نام آرایه‌ی بارز به کار رفته در بیت «فراق یار که پیش تو کاه برگی نیست / بیا و بر دل من بین که کوه الوند است» چیست؟</p> <p>۳۲- عبارت مشخص‌شده کنایه از چیست؟ «که چندین بی‌بچم که اسفندیار / مگر سر بی‌چاند از کارزار»</p> <p>۳۳- کدام مورد از بهترین نمونه‌های تحمیدیه در ادب فارسی است؟</p> <p>۱) دیباچه‌ی گلستان ۲) دیباچه‌ی مرزبان‌نامه ۳) دیباچه‌ی سیاست‌نامه ۴) دیباچه‌ی کلیله و دمنه</p> <p>۳۴- اگر منتقد به بررسی آرایه‌ها و زیبایی‌های ادبی یک اثر بپردازد، نقد او جزء کدام نوع نقد است؟</p> <p>۱) نقد لغوی ۲) نقد فنی ۳) نقد اخلاقی</p> <p>۳۵- رمان «برادران کارامازوف» اثر چیست؟</p> <p>۱) چارلز دیکنز ۲) سروانتس ۳) تولستوی ۴) داستایوسکی</p> <p>۳۶- کدام اثر می‌تواند به عنوان یک رمان بسیار گیرا و دل‌چسب نوشته شده باشد؟</p> <p>۱) تاریخ مسعودی ۲) تاریخ بلعمی ۳) قابوس‌نامه ۴) کلیله و دمنه</p>	موضوع	لحن داستان «کباب‌غاز»	زاویه‌ی دید در داستان «گاو»	هسته در داستان «گیله‌مرد»	راوی داستان «کباب‌غاز»	ویژگی	طنزگونه	اول شخص	ظلم و ستم بر رعیت	دانای کل	۰/۲۵ ۰/۷۵ ۰/۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵			
موضوع	لحن داستان «کباب‌غاز»	زاویه‌ی دید در داستان «گاو»	هسته در داستان «گیله‌مرد»	راوی داستان «کباب‌غاز»											
ویژگی	طنزگونه	اول شخص	ظلم و ستم بر رعیت	دانای کل											
۵	<p>ث) درک مطلب (۴ نمره)</p> <p>۳۷- منظور از قسمت مشخص‌شده در عبارت «اگر کرد، دید و چشید - و خردمندان دانستندی که نه چنان است و سری می‌جنبانیدندی و پوشیده خنده می‌زدندی که وی گزاف‌گوی است.» چیست؟</p> <p>۳۸- با توجه به عبارت زیر از درس قاضی بست، منظور از قسمت‌های مشخص‌شده، به ترتیب چیست؟</p> <p>«تا خفتگان و به دنیا فریفته‌شدگان بیدار شوند و هر کس آن کند که امروز و فردا او را سود دارد.»</p> <p>الف) ب) ج) د)</p> <p>۳۹- مفهوم «نیک از جای شد» در عبارت «خواجه احمد او را گفت در همه‌ی کارها ناتمامی؛ وی نیک از جای شد» چیست؟</p> <p>۴۰- منظور از «دبیر کافی» در عبارت «و این مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط قلم در نهاد» چیست؟</p> <p>۴۱- در جمله‌ای که کمال‌الملک می‌گوید: «این رعشه مصلحتی است.» منظور چیست؟</p> <p>۴۲- عبارت زیر از درس «گل‌دسته‌ها و فلک» مفهوم «توتون» بیانگر چیست؟</p> <p>«ور پریده‌ها! اگه می‌افتادین کی توتون می‌داد؟ ها؟»</p> <p>۴۳- منظور از «مثال داد» در عبارت «مثال داد تا هزار هزار درم به غزنین و دو هزار هزار درم به دیگر ممالک، به مستحقان و درویشان دهند.» چیست؟</p> <p>۴۴- مفهوم کلمه‌ی «مالیده» چیست؟ «و دستاری نشابوری مالیده و موزه‌ی میکائیلی نو در پای و موی سر مالیده.»</p> <p>۴۵- در این عبارت «بونصر نامه‌های را، به خطِ خویش، نُکت بیرون می‌آورد و از بسیاری نُکت، چیزی که در او گراهیتی نبود می‌فرستاد، به دست من و من به آغاجی خادم می‌دادم و خیر خیر جواب می‌آوردم و امیر را هیچ ندیدم تا آن‌گاه که نامه‌ها آمد از پسران علی تکین و من نُکت آن نامه‌ها پیش بردم و بشارتی بود.»</p> <p>الف) منظور از «گراهیتی نبود» چیست؟ ب) «خیر خیر» یعنی چه؟ ج) عبارت «بشارتی بود» به چه معنی است؟</p>	۰/۵ ۱ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۵ ۰/۷۵													
۶	<p>ج) حفظ شعر (۲ نمره)</p> <p>ابیات زیر را کامل کنید.</p> <p>۴۶- «بی‌خود از شعشعه‌ی پرتو کردند</p> <p>۴۷- آن شب قدر که این تازه براتم دادند»</p> <p>۴۸- «من اگر گشتم و خوشدل چه عجب</p> <p>۴۹- «..... که بدان جور و جفا صبر و ثباتم دادند»</p>	۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵													
	«باغ اندیشه‌تان شکوفه‌باران باد»	۲۰	جمع نمره												

آزمون ۵

- ۱- بر اسب (رخش) قوی پیکر سوار شد. (۰/۲۵)
- ۲- خود را به دردسر بزرگی انداختی (باعث نابودی خود شدی). (۰/۲۵)
- ۳- ابر و باد و مه و خورشید و فلک (یا تمام موجودات عالم) در فعالیت هستند. (مشغول کاری هستند). قسمت مشخص شده (۰/۲۵)
- ۴- عقل مطیع و فرمانبر توست. (۰/۲۵)
- ۵- تو از حيله و جادوی زال این گونه زنده هستی. (۰/۵)
- ۶- پیکرها که آنان را ایستاده نگه داشته بودند تا وانمود کنند که آنها از بغداد آمده‌اند! (۰/۵)
- ۷- بازگشتم با نامه‌ی امضاشده و این اتفاقات را به بونصر گفتم. (۰/۵)
- ۸- در حدیث آمده است (۰/۲۵) از سرور موجودات جهان (۰/۲۵) و مایه‌ی افتخار مخلوقات حضرت محمد ﷺ (۰/۲۵)
- ۹- گفت: وقتی که نامه‌ها فرستاده شد (۰/۲۵) تو (بیپهی) به خاطر پیغامی که برای بونصر درباره‌ی موضوعی است (۰/۲۵)، برگرد تا گفته شود. (۰/۲۵)
- ۱۰- یکی از عارفان (۰/۲۵) در حالت تأمل و تفکر عارفانه فرو رفته بود (۰/۲۵) و در دریای کشف و شهود عرفانی (۰/۲۵) غرق شده بود. (۰/۲۵)
- ۱۱- (رستم می‌گوید): من امروز برای جنگ و خونریزی نیامده‌ام (۰/۵) بلکه برای عذرخواهی و حفظ آبرو آمده‌ام. (۰/۵)
- ۱۲- آتشدان (۰/۲۵)
- ۱۳- سایه‌بان، خیمه (۰/۲۵)
- ۱۴- انفاق و بخشش، آن چه صرف هزینه‌ی زن و فرزند شود. (۰/۲۵)
- ۱۵- آشوب و فتنه‌ای که مردم را به جنبش درآورد. (۰/۲۵)
- ۱۶- کسی که در جایی مسکن گرفته، اقامت‌کننده (۰/۲۵)
- ۱۷- تسمه و دوالی که از پس و پیش زین اسب آویزند، ترک‌بند (۰/۲۵)
- ۱۸- شکستن (۰/۲۵)
- ۱۹- لازم‌دارنده (۰/۲۵)
- ۲۰- کوتاهی در انجام اعمال عبادی یا کوتاهی در عبادت، گناه (۰/۲۵)
- ۲۱- به سرعت سوار اسب شدن (۰/۲۵)
- ۲۲- جابه‌جایی ضمیر: «چون موی تو در دو جهان، رویم سیاه باد» (۰/۲۵)
- ۲۳- فضاسازی یا لحن (۰/۲۵)
- ۲۴- از سه نوع زبان: ۱- زبان معیار: توضیحات نویسنده که فضای فیلم‌نامه را مشخص می‌کند. ۲- زبان محاوره‌ای و شکسته: در کلام تدوین و رضاخان (سرمون از پشت هم چشم‌داره) ۳- زبان ادبی: در سخنان کمال‌الملک (ذکر دو مورد بدون مثال، هر مورد (۰/۲۵))
- ۲۵- الف) به من چه ارتباطی دارد؟ (۰/۲۵)
- ب) ابتدا خداوند قدرت خود را نشان داد و سپس دوباره رحمت و مهر خود را نشان داد. (۰/۲۵)
- ۲۶- تاریخ جهانگشای جوینی: نثر مصنوع و متکلف (۰/۲۵) تاریخ بلعمی: مرسل یا ساده (۰/۲۵)
- ۲۷- الف) خوشبختانه (۰/۲۵)
- ب) کلاه از مُد افتاده، کلاه از رونق و اعتبار افتاده (۰/۲۵)
- ۲۸- ۲۸- جهان‌پهلوان تختی (۰/۲۵)
- ۲۹- ۱- برخورد آزادی و اسارت (۰/۲۵) ۲- برخورد پیری و جوانی (۰/۲۵)
- ۳- برخورد کهنه و نو (۰/۲۵)
- ۳۰- ۳۰- ب) زاویه‌ی دید در داستان «گاو»: دانای کل (۰/۲۵)
- د) راوی داستان «کباب‌غاز»: اول شخص (من) (۰/۲۵)
- ۳۱- ۳۱- اغراق (۰/۲۵)
- ۳۲- ۳۲- تلاش می‌کنم، اصرار می‌کنم (۰/۲۵)
- ۳۳- ۳۳- ۱) دیباچه‌ی گلستان (۰/۲۵)
- ۳۴- ۳۴- ۲) نقد فتی (۰/۲۵)
- ۳۵- ۳۵- ۴) داستایوسکی (۰/۲۵)
- ۳۶- ۳۶- ۱) تاریخ مسعودی یا همان تاریخ بیپهی (۰/۲۵)
- ۳۷- ۳۷- اگر این کارها را انجام داد، (۰/۲۵) نتیجه‌اش را هم دید. (۰/۲۵)
- ۳۸- ۳۸- الف) مردمان دلبسته به ثروت دنیا (فربخوردگان خواهان دنیا) (۰/۲۵)
- ب) آگاه شوند یا عبرت گیرند. (۰/۲۵)
- ج) آن کار را انجام دهد. (۰/۲۵)
- د) آن جهان (۰/۲۵)
- ۳۹- ۳۹- کاملاً عصبانی شدن (از کوره دررفتن) (۰/۲۵)
- ۴۰- ۴۰- توانا، باکفایت (۰/۲۵)
- ۴۱- ۴۱- یعنی ساختگی و دروغی، از روی مصلحت (۰/۲۵)
- ۴۲- ۴۲- عامیانه‌ی تاوان‌دادن به معنی پرداخت خسارت و زیان (۰/۲۵)
- ۴۳- ۴۳- فرمان داد (۰/۲۵)
- ۴۴- ۴۴- در مورد دستار ظاهراً به معنای خوب و مرغوب است. (۰/۲۵)
- در مورد موی سر ظاهراً یعنی مرتب‌شده (۰/۲۵)
- ۴۵- ۴۵- الف) خبر ناگوار و ناراحت‌کننده نبود. (۰/۲۵)
- ب) سریع (۰/۲۵)
- ج) مزدگانی و خیر خوش بود. (۰/۲۵)
- ۴۶- ۴۶- ذاتم (۰/۲۵) باده (۰/۲۵)
- ۴۷- ۴۷- چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی (۰/۵)
- ۴۸- ۴۸- کامروا (۰/۲۵) مستحق (۰/۲۵)
- ۴۹- ۴۹- هاتف آن روز به من مژده‌ی این دولت داد. (۰/۵)